

«زن و مطالعات خانواده»

سال هفدهم - شماره شصت و یکم، پاییز ۱۴۰۲

ص: ۱۹۷-۲۲۰

پژوهشی در تطور و تنوع مفهوم "مادری" در جامعه و بررسی مصادیق آن

نازی عبدالله پور^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۲۲

چکیده

با واژه "مادر" و معادل آن در هر زبانی اولین چیزی که به ذهن می‌رسد، زنی است که ما را زاده‌است اما این مفهوم در گذر تاریخ، مصادیق زیادی را متحمل شده‌است. تغییرات سریع جامعه بشری این مصادیق را گسترده‌تر می‌کند. این مقاله در صدد بررسی تحولات مفهوم و مصادیق "مادری" در زبان انسان‌ها است و با روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده‌است. با توجه به این که در صد بزرگی از جامعه بشری در طول چهار هزار سال گذشته تابع ادیان ابراهیمی بوده‌اند، در این مقاله ضمن بررسی نقش مادر در جوامع وحشی و ابتدایی، کارکرد واژه "مادر" در متون دینی سه دین بزرگ خاور میانه- بخصوص اسلام- بررسی می‌شود. مصادیق مادر در طول زمان عبارتند از: جمعی از مادران و زنان و حتی دختران قوم در قبائل ابتدایی، الهه مادر - با نام‌های مختلف - مادر بیولوژیکی که کودک را زاده است و یا تخمک خود را اهدا کرده‌است، مادری که جنبینی از تخمک غیر را در رحم خود پرورده‌است، مادر بزرگ و اجداد مؤنث فرد، مادران رضاعی، مادرخوانده - و مادر ادعایی، همسران پیامبر، مادر همسر، مادری یا پدر بیولوژیک که تغییر جنسیت داده‌است و نیز مادران تعمیدی.

واژگان کلیدی: مادر، مادرخوانده، شبکه محارم، مدرسالاری، رضاع، تغییر جنسیت، رحم اجاره‌ای

مقدمه

مرحوم دهخدا ضمن بیان واژگان مختلف برای "مادر" ریشه این واژه را بررسی می‌کند. دکتر معین نیز سه معنی اصلی برای آن را ذکر می‌کند:

۱- زنی که دارای فرزند است؛ مام، والده، ام.

۲- اصلی، اولیه، نخستین: صنایع مادر.

۳- زمین، خاک (دهخدا، ۱۳۷۲) (فرهنگ معین، ۱۳۸۶، ذیل واژه مادر)

در زبان عربی نیز "ام" به معنای اصل و اساس شیء و نیز به معنای مادر است. "امت" نیز از آن است در قرآن همه جنبندگان "امت" خوانده شده‌اند در آیه (وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ أَمْثَلُكُمْ) (انعام/۳۸) یعنی هر نوعی از جنبندگان در زمین امت‌هایی مانند شما هستند و سخن خدای در این آیه (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً ۚ ۲۱۳/ بقره) مردم همواره، صنفی واحد و بر روشی واحدند (و از رفتارهای دیگران الگو می‌گیرند و تقلید می‌کنند) در ضلالت یا در کفر. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ذیل واژه "ام")

«ام» به معنای مادر بی واسطه و مادر بزرگ‌هاست. همچنین به آنچه ریشه وجود یک شیء یا تربیت یا اصلاح آن باشد یا مقصد برای آن قرار بگیرد، «ام» گفته می‌شود. خلیل فراهیدی نوشته‌است به هر شی‌ای که دارای ضمائم وابسته به خود باشد، «ام» گفته می‌شود؛ به همین جهت در قرآن کریم بر لوح محفوظ «ام» اطلاق شده‌است؛ زیرا تمامی علوم نشأت گرفته و تولد یافته از اوست و به مکه ام‌القری گفته‌اند؛ زیرا زمین از بخش زیرین آن گسترش یافته است و سوره حمد ام‌الکتاب نامیده شده‌است؛ زیرا آغاز قرآن است. (راغب، ۱۳۸۳، ذیل لغت) در تعبیرات «قرآن» «هاویه» یا دوزخ هم مادر کسانی شمرده شده که در ترازوی عملشان، خطاکاری بر نیکی می‌چربد. واژه «أم» در اینجا به معنای جایگاه و قرارگاه تفسیر شده و گاه به معنای مادر، یعنی همان گونه که مادر فرزند خویش را در آغوش می‌کشد دوزخ نیز افراد را در آغوش می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ذیل آیه) شهر اصلی هر سرزمینی هم "مادر" و "ام" خوانده شده (قصص/۵۹) قرآن در باره جایگاه مادر سخن رانده و حتی بر وحی (الهام قلبی) بر مادر موسی تاکید کرده (قصص/۷) و (طه/۳۸)، به سختی دوره حمل برای مادران اشاره شده (لقمان/۱۴) و نیز سختی حمل و زایمان (احقاف/۱۵) خانواده واحدی بسیار مهم در اجتماع است و کارکردهای فراوانی دارد از جمله: تولید نسل و تعیین هویت اجتماعی فرزندان و اجتماعی کردن کودک - برای آماده کردن کودک در جهت عضویت در جامعه - و استحکام شخصیت بزرگسالان و انتقال هنجارها، نقش‌ها و ارزش‌ها. گاهی خانواده می‌تواند نقشی اقتصادی و حتی سیاسی نیز در جامعه ایفا کند. (میشل، ۱۳۵۴، ص ۶۸)

در جوامع انسانی به پیوندهای ژنتیکی (خونی) یا سببی (از راه ازدواج بستگان دیگر)، یا بر اساس تعلق به گروهی خاص و قبول پایگاه اجتماعی خاص (خویشاوندی می‌گویند. آندره میشل معتقد است: خویشاوندی شامل مجموعه‌ای از اصطلاحات و لغات و رفتارها است. لوی استراوس معتقد است:

خویشاوندی نتیجه مستقیم سازمان اجتماعی است که بر اثر منع زنا با محارم بنا نهاده شده است و در حقیقت خویشاوندی یک نتیجه منطقی است تا تاریخی، زیرا منع زنا با محارم در صورتی امکان پذیر است که بشر ابتدایی سه نوع رابطه خانوادگی را مشخص کند: رابطه خونی (مانند دو پسر عمو) و رابطه سببی (زن و شوهر و دیگرانی که از این طریق محرم می‌شوند) و رابطه نسبی (رابطه والدین با فرزند - اعم از فرزند مستقیم یا نوه). (میشل، ۱۳۵۴، ص ۴۵-۴۰)

"تولید مثل" فرآیندی پیچیده است که تنها بعدی زیستی ندارد. در بسیاری از فرهنگ‌ها، مادری ارزشی مثبت است که نقشی تقدیس شده دارد.

در بسیاری موارد، اصلی‌ترین ویژگی زنان، "مادر بودن" و "مادر خوب بودن" در نظر گرفته شده است. سایر ویژگی‌های مهمی که برای زنان در نظر گرفته شده‌اند نیز مرتبط با خانواده هستند. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹، ۸۳)

گستره خویشاوندان

هر جامعه‌ای ساختار باورها و نظام اجتماعی خود را دارد که خویشاوندان را معین می‌کند یعنی مفهوم خویشاوندی در جوامع مختلف می‌تواند متفاوت باشد. افراد بسیار اندکی وجود دارند که نقش - خویشی - ایشان در همه جوامع برابر باشد. به نظر می‌رسد جز مادر و پدر مستقیم فرد، نقش دیگری وجود ندارد که در همه جوامع پذیرفته شود. حتی مفهوم خواهر و برادر نیز تابعی از باورهای اجتماعی است مثلاً در داستان‌های تورات - که در روایات اسلامی نیز وارد شده‌اند - در دوران پیش از تورات - عصر ابراهیم نبی، خواهری که از مادری دیگر متولد شده باشد، خواهر محسوب نمی‌شود و ازدواج با او مجاز بوده است (بنگرید به داستان ابراهیم و ساره در کتاب مقدس - پیدایش - و ازدواج با خواهر مادری و رسم "خواهر" خواندن همسر که در صفحات آتی ذکر شده است). اما با آمدن شریعت موسی این حکم تغییر می‌کند و محدوده محارم شامل خواهران مادری هم می‌شود. (شبلی، بی تا، ۲۹۹)

واژه مادر معمولاً به مادری بیولوژیکی اطلاق می‌شود که کودک را به دنیا آورده است اما به نظر می‌رسد که همواره چنین نبوده است. برای تبیین این نقش نخست گستره (شبه) محارم در ادیان ابراهیمی را بررسی می‌کنیم. (این شبکه در دوره وحش خوبی متفاوت بوده که به جای خود بررسی خواهد شد.)

محارم در سه دین ابراهیمی

در حکم تورات، ازدواج با مادر و دختر و خواهر، عمه، خاله، خواهرزاده و برادرزاده حرام است و نیز زن بابا (نامادری)، ناخواهری، نابرداری (از طرف مادر یا پدر از شخص دیگری هستند) نوه دختری، نوه پسری و همچنین ربیبه یعنی دختر زنی که انسان با او ازدواج کرده است و البته ازدواج هم زمان با دو خواهر هم

حرام است. شریعت مسیحی نیز تابع تورات است و قوانین امروز مسیحیت تفاوت اندکی با قوانین تورات دارد. (مجمع الكنائس الشرقی، ۱۹۸۱، ص ۶۱۷)
علیرغم عدم حرمت در تورات و انجیل، برخی از کلیساهای مسیحی، ازدواج با فرزند مستقیم عمو، دایی، عمه و خاله را نیز منع کرده‌اند.
در اسلام لیست محارم بسیار شبیه به لیست تورات است اما مادر و خواهر رضاعی به این لیست اضافه می‌شود در حالی که شیر دادن به کودکی طبق شریعت موسی-علیه السلام- موجب حرمت ازدواج نیست. (نساء/۲۳). (مقصودی، ۱۳۸۶، ۱۴۰-۱۳۹)

اهداف تحقیق

هدف کلی: بررسی تطور و تنوع مفهوم "مادر" از نگاه جامعه شناختی و دینی
اهداف اختصاصی: بررسی مفهوم "مادری" در سه دوره (شکارگری، عصر کشاورزی و دنیای معاصر) - بررسی تاثیر شرایط و سنت‌های اجتماعی بر قرار گرفتن فرد، افراد یا اشیاء و غیر ایشان در نقش مادری

مبانی نظری تحقیق

مادر بودن یکی از وظایف مهم مورد بررسی در خانواده است. برخی از نظریه‌های اصلی جامعه شناسی خانواده - به لحاظ شهرت و توانایی تحلیل و میزان استفاده- (که وظایف افراد و کیفیت ارتباط ایشان را تبیین می‌کنند) عبارتند از:
۱- نظریه تکاملی: داروین و انگلس خانواده را با نگاهی تکاملی بررسی می‌کنند. داروین از تحول خانواده طی دوران‌های متعدد بحث کرده‌است.
۲- نظریه مبادله: طبق این نظریه، (بده و بستان) و (پاداش و مجازات) در خانواده صورت می‌گیرد مثلاً در انتخاب همسر و روابط درونی خانواده مانند در نظر گرفتن موقعیت بهتر مردان و زیبایی زنان. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹، ص ۲۳) البته قدرت باروری و زاد آوری زنان نیز می‌تواند تعیین کننده باشد چنان که در متون دینی یکی از نکات مورد توجه در ازدواج- حداقل در دوره‌ای که جامعه به نیروی کار و دفاعی نیاز داشت- "ولود" بودن زنان است و برای اثبات این مطلب می‌بایست این زن قبلاً ازدواج کرده و قدرت زادآوری او اثبات شده باشد - و بعد از طلاق یا مرگ شوهر دوباره ازدواج می‌کند و یا توان باروری مادر و خواهرانش را در مقام مقایسه در نظر داشته باشند.
در نظریه مبادله، ازدواج موجب لذت زندگی جمعی و اعتماد و تکیه بر دیگران و راحتی خیال است که با صرف هزینه و انرژی و زمان مبادله می‌شود.
۳- نظریه تقابل: مارکس روابط زن و شوهر را در خانواده بر اساس تضاد منافع و رقابت پنهان زوجین بررسی می‌کند.

۴- نظریه کنش متقابل نمادین: در این نظریه، با در نظر گرفتن استعداد انسانی برای ساختن نمادها، به خانواده به عنوان نظامی از نقش‌ها توجه می‌شود.

۵- نظریه کارکرد گرایی: در این نظریه، بقای خانواده وابسته به وظایف و کارکردهایی است که بر عهده دارد (مانند تنظیم رفتار جنسی، جایگزین کردن اعضای جامعه از نسلی به نسل دیگر، جامعه‌پذیر کردن افراد خانواده، مراقبت و نگهداری از فرزندان و دیگر اعضای خانواده و حمایت عاطفی از اعضا). (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹، ص ۲۵) یقیناً مادران در ایفای بسیار از این نقش‌ها کارکردی بیشتر از سایر اعضا دارند.

گیدنز مهمترین اشکال خانواده را ذکر می‌کند: خانواده هسته‌ای- گسترده، خانواده پدر سالار- مادر سالار، خانواده پدر مکان، مادر مکان، خانواده تک همسر- چند همسر، خانواده ناقص- تک سرپرست و خانواده ناتنی. اشکال جایگزین خانواده نیز وجود دارند مانند: هم خانگی و زندگی مشترک بدون ازدواج و کمون‌ها و اجتماعات اشتراکی (گیدنز، ۱۳۷۴، ص ۴۲)

از نظر دورکیم در تمامی جوامع، وجود جامعه‌ای کوچکتر قابل تشخیص است چرا که اکثر افراد آن روابط خویشاوندی دارند و بر یکدیگر به واسطه قیودی پیوند خورده‌اند و این مبنای تشکیل گروهی خاص با نامی مجزا تحت عنوان "پدیده حیات خانوادگی" است. وی هر نوع تجمعی از این نوع را خانواده می‌نامد و شناخت سازمان خانواده را منوط به شناخت باورهای دینی اولیه می‌داند چرا که از نظر وی دین، اساس و پایه خانواده است. (جمیلی، ۱۳۷۶)

زاهدانی معتقد است: فرد و جمع و رابطه در تشکلات اجتماعی همه ذی اثر یا فاعل هستند؛ به عبارت دیگر، هر تشکل اجتماعی از تقوّم این سه با یکدیگر شکل می‌گیرد. پدر و مادر و فرزندان در زمینه اجتماعی با سه زیر نظام سیاست، فرهنگ و اقتصاد عمل می‌کنند و نوع موضع گیری آن‌ها (رابطه) در مقابل این زمینه از طریق گرایش، بینش و دانش فرهنگی در اخلاق، اعتقاد و رفتارشان انعکاس می‌یابد. (زاهدانی، ۱۳۹۶)

یعنی روابط مادر و فرزندی هم می‌تواند تحت تاثیر بینش فرهنگی و گرایش‌ها و شرایط، تغییر کند. پارسونز، مادری کردن را "ایفای نقش پر احساس" می‌شمارد. از نظر وی، تقسیم کار جنسی در خانواده، که نمونه روشن آن مراقبت زنان از کودکان است، متضمن خرسندی افراد و وجود خانواده‌ای کارا و با ثبات است و این تقسیم‌بندی به نفع هر دو جنس و جامعه است و البته آن‌ها این نوع تقسیم‌بندی را طبیعی و ناگزیر می‌داند. (گرت، ۱۴۰۰)

کیت میلیت فمینیست رادیکال، ، مادر بودن را از دلایل ظلم بر زنان شمرده و ستم بر زنان را بیشتر در ساختار جنسی مؤنث بودن می‌دید تا در تفاوت‌های زیست‌شناختی. از این‌رو، بیشتر بر ضرورت انقلاب جنسی تأکید می‌کرد. چنین انقلابی به معنای پایان ازدواج تک‌همسری و ایدئولوژی مادر شدن بود؛ یعنی پرورش کودکان به طور دسته‌جمعی جای خانواده خصوصی را خواهد گرفت. (چراغی، ۱۳۸۷) در نظر فمینیست‌ها، کارکرد تولید مثل و

نقش مادری یکی از جایگاه‌های به شدت مورد منازعه است. در نظر برخی، تولید مثل و مادری کردن باری بر دوش زنان و بخشی از سرکوبی است که باید از سر راه زنان برداشته شود. این گروه فمینیست‌ها غالباً فناوری‌های جدید را، که فشار تولید مثل روی زنان را کاهش می‌دهند (که می‌تواند شامل اهدای تخمک و استفاده از رحم اجاره‌ای هم باشد) به عنوان کلید آزادی زنان دانسته‌اند. اما در مقابل، گروه دیگری بر این باورند که تولید مثل و مادری یکی از بزرگ‌ترین لذت‌های زن بودن است، فقط باید آن را از زیر کنترل جنس مذکر رهانید تا تبدیل به یکی از مثبت‌ترین تجربیه‌های زنان شود.

از نظر شولامیت فایرستون، تقسیم‌بندی زیست‌شناختی، وظیفه باروری را به زنان می‌سپرد و این موجب سرکوب زنان است. او در پی حذف قید «بچه‌داری از راه آبستن شدن از مردان» است. سیمون دوبووار هم تولید مثل را بردگی خوانده است. (همان منبع)

گاهی خستگی زنان از تعدد مسئولیت‌ها و نداشتن فرصتی برای استراحت باعث می‌شود ایشان نقش مادری را با اهمیتی کمتر در نظر بگیرند. پژوهشی در شهر جویبار نشان می‌دهد که: اکثریت زنان مورد مصاحبه-اعم از زنان تحصیل کرده و زنان با سطح سواد کمتر-، عقاید و احساسات مشترکی نسبت به مسأله "مادری" دارند. اکثریت زنان احساس خوبی نسبت به مادری و نقش مادری ندارند و بیشتر به آن به شکل یک وظیفه نگاه می‌کنند. برخی معتقدند: زنان همیشه اسیر فرزندان خود هستند و در جامعه ایرانی باید باز تعریفی از نقش "مادری" ارائه شود و البته نقش مادری با توجه به ارزش‌های فرهنگی و باورهای سنتی در ایران نسبت به سایر کشورها متفاوت است. (فهیمی، ۱۳۸۸ص ۱۰۷)

طائب معتقد است: معنای مادری در رویکردهای سنت محور، مدرن / فمینیستی و اسلامی متفاوت است. گاهی مادران به عنوان موجودی ضعیف‌الجثه، مصرف‌کننده، محتاج حمایت، فرودست، عاطفی، غیرعقلانی (به سبب عدم انجام امور اقتصادی) و در داخل خانه معنا می‌شوند و البته از یک نگاه، سعادت مادری، عالی‌ترین مقام برای زنان است که کلیسای مسیحیت آن را ترویج کرده و رابطه مادر- فرزند را بسیار مقدس می‌داند که مادر باید این رابطه را به شکل حمایت اصلی در تمام زندگی فرزندش بگستراند. (طائب و دیگران، ۱۳۹۶ ص ۱۴۷)

به هر حال، مفهوم "مادری" در تمام جوامع مفهومی برابر نیست. اقتضائاتی برابر ندارد و شامل دو معنی است: مادر بیولوژیکی و غیر او شامل هر فردی در نقش مادر. این تفاوت تا حدی است که برخی "غریزه مادری" را نیز رد کرده‌با استثنا کردن رفتارهای خاص پس از تولد مانند گرایش به شیر دادن- رفتارهای مادرانه را تابعی از آداب و سنن اجتماعی شمرده‌اند. علاوه بر مادر بیولوژیک، نقش‌های مادرانه به افرادی مختلف سپرده می‌شود که به آن پرداخته‌ایم.

سیستم‌های خویشاوندی مختلف برای جوامع بشری ذکر شده‌است که عبارتند از:

۱- خویشاوندی رده گانی^۱

۲- سیستم برون همسری (منع ازدواج با زنان قبیله یا طایفه)

در قبایلی با توتّم مشترک، همه افراد قبیله، فرزندان آن توتّم هستند و نمی توانند با هم ازدواج کنند. هر قبیله برای خود سنی دارد که از آن تخطی نمی شود. ممکن است دو طایفه با زنانی از هم-متقابل- ازدواج کنند یا این رسم بین سه طایفه به شکلی چرخشی باشد.

اندره میشل در تبیین این ازدواج می نویسد: ازدواج مرد با اقوامش ممکن نیست، پس بایستی با یک دشمن ازدواج کند و البته ازدواج با دشمن، بهترین وسیله برای ایجاد صلح با همسایگان است. در بسیاری موارد، زنان بین قبائل مبادله می شدند و البته ارزشمندترین کالای مبادلات بودند. (میشل، ۱۳۵۴، ص ۵۴)

۳- سیستم درون همسری (ازدواج با زنان در قبیله خود)

جوامع "برون همسری" معمولاً تراکم جمعیتی اندکی دارند و در اطراف دنیا پراکنده هستند در حالی که جمعیت‌های درون همسر، پر زاد و ولد و پر تعداد هستند. جوامع تاریخی سرزمین‌های اطراف دریای مدیترانه "درون همسر" هستند. (میشل، ۱۳۵۴، ص ۵۸)

۴- جداسازی دو جنس درون طایفه یا قبیله

۵- آئین پرهیز: در این سیستم، از ازدواج با زنان درون گروه-ایل یا طایفه- پرهیز می‌شد و لیستی طولانی از زنانی وجود داشت که ازدواج با ایشان ممنوع بوده و حتی زندگی مردان و پسرانی که به سن بلوغ می‌رسیدند در کنار آن‌ها ممنوع بوده است. پسران در سن بلوغ از مادران و خواهران خویش جدا می‌شدند (واژه خواهر^۲ در اصل به معنی پرهیز است) ایشان برای غذا خوردن، حق داشتند کنار زنان طایفه باشند اما در هنگام خواب، بنا به ضرورت باید در خانه‌ای دیگر ساکن می‌شدند. آئین پرهیز تا همین اواخر وجود داشته است و ساکنین قبایل از این که اروپائی‌ها با خواهران خود در یک خانه می‌خوابیدند اظهار تعجب و شرم می‌کردند.

۶- خون خواهی (میشل، ۱۳۵۴، فصل سوم)

۷- سیستم داد و ستد و هدیه: زنان به عنوان هدیه و کالای مورد معامله بودند. ازدواج نیز نوعی روش معامله و ایجاد ارتباطات و صلح محسوب می‌شد. معمولاً در این مبادلات، حیواناتی خانگی هم به خانواده زن به عنوان هدیه داده می‌شد. (میشل، ۱۳۵۴، فصل سوم)

۸- سازمان دو نیمه ایل: در این سیستم، رابطه‌ای دو سویه میان دو گروه برون همسری (نیمه گی) برای داد و ستد خوراکی‌ها و جفت یابی وجود داشت. (برای توضیح این سیستم‌ها بنگرید به کتاب (اولین رید، پدر سالاری)

^۱ Classificatory system of kinship

^۲ sister

که‌ترین تابوی بشر، تابوی ازدواج با خویشاوند است. این تابو بین حیوانات وجود ندارد، خاص انسان است. در خویشاوندی عصر شکارگری، زناشویی درون گروهی با خویشان تنی و هم خون، غیر اخلاقی و زیان آور شمرده می‌شد. شبکه‌ای گسترده از محارم وجود داشته که از لیست محارم ادیان ابراهیمی بسیار گسترده‌تر بوده‌است. برخی بومیان، خواهر را مانند مادر می‌شمردند و او را "مادر کوچک" قلمداد می‌کردند. نکته‌ای جالب: سیوطی در بحث "عام و خاص" در قرآن می‌نویسد: هر حکمی که در قرآن ذکر شده می‌تواند تخصیص یابد، مثلاً: نماز بخوانید مگر در حال جنون و بیهوشی و حیض، روزه بگیرید مگر در حال بیماری و سفر و..... اما تنها حکمی که هرگز تخصیص نمی‌یابد حکم حرمت ازدواج با مادران است. در شرح آیه ۲۳ سوره نساء (سیوطی، ۱۳۹۲، فصل عام و خاص)

پیشینه

مقوله مادری در کتاب‌هایی بسیار از جهات زیر مورد بررسی قرار گرفته‌است:

- جایگاه مادر در کتب ادبی و شعر و داستان‌ها و ذکر فداکاری‌های مادران و بیوگرافی‌های مادران و رمان‌ها بسیار پر رنگ است.
- ذکر وظایف مادران در حوزه تعلیم و تربیت. این مبحث نیز شامل کتاب‌هایی بسیار در زبان‌های مختلف است.
- بررسی مباحث فقهی مرتبط با مادران اعم از ارث و رضاع و امثال آن
- مقالات پژوهشی بسیاری در زمینه احکام جدید مانند "رحم اجاره‌ای" و "تغییر جنسیت" و "تخمک و اسپرم اهدایی" نوشته شده که با جستجو در دسترس هستند.
- کمتر کتابی به این مقوله پرداخته‌است که: چه کسی می‌تواند مادر تلقی شود؟ در واقع کتاب یا مقاله‌ای مستقل در این زمینه نوشته نشده‌است اگر چه در برخی منابع تاریخی و جامعه‌شناسی مطالبی پراکنده در این موضوع وجود دارد. برخی از این منابع عبارتند از:
- اتو کلاین برگ در کتاب "روان‌شناسی اجتماعی" رفتارهای خاصی را در زمینه مادر بودن (و البته والد بودن) ذکر می‌کند که سوالات بسیاری ایجاد می‌کند مثلاً: فرزند خواندگی به صورتی بسیار متداول و پر تعداد - که لازمه آن جدایی بین مادر و فرزند است - و حتی فرزند کشی در شرایطی خاص. نویسنده تأکید می‌کند که: احساسات مادری می‌تواند تحت تأثیر آداب و رسوم جامعه متفاوت عمل کند.
- آندره میشل در کتاب جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ضمن بررسی نقش‌های خانوادگی و کنش‌های متقابل زن شوهر، تأثیر مادران بر رشد و استحکام شخصیت خانواده را بررسی کرده‌است.
- اولین رید " مفهوم مادر در جوامع ابتدایی عصر شکارگری (پیش از آغاز دوران کشاورزی و دام پروری) و گستره محارم (زنان و مردانی که نمی‌توان با ایشان ازدواج کرد) و تغییرات حاصل در این جوامع به عصر کشاورزی و دلایل نهمی از ازدواج با خویشاوندان نزدیک - حتی افراد درون قبیله را تبیین می‌کند

- ویمالا مک کلور در کتاب "تائو مادری"، زادن و مادر شدن و مادر بودن را در جایگاهی خدا گونه معرفی می‌کند. نویسنده به زیبایی‌ها و سختی‌های مادر بودن می‌پردازد. حسی متناقض از لذت و اندوه. او معتقد است: تصمیم به داشتن فرزند مانند این است که انسان بخواهد در خارج بدن خود نیز زندگی کند. کسی که یک بار مادر می‌شود، برای همیشه مادر باقی می‌ماند. مادر بودن، چشمه‌ای اسرار آمیز است که همیشه جاری است. والد بودن بخشی جدایی ناپذیر از زندگی روحی ماست نویسنده مادر بودن را تمرینی روحانی می‌شمارد که انسان را وارد مرحله‌ای جدید از زندگی خود می‌کند. مادر علاوه بر رفع نیازهای جسمی کودک به او احساس عزتمندی و احترام و حدود و یاری و ادراک و برتر از همه، عشق بی پایان. مانند تائوی ابدی، مادر خردمند کودک را به دنیا می‌آورد اما مالک نمی‌شود. به فرزندش اجازه می‌دهد اشتباه کند و با این حال به او عشق می‌ورزد. مادر بودن همیشه کاری اسان نیست. همه نیازهای فرزند به مادر باز می‌گردد. و مادر متوجه نیازهای قابل قبول و گاه غیر قابل قبول، آشکار یا پنهان، منطقی یا غیر منطقی کودک است.

چارچوب نظری تحقیق

بر اساس نظریهٔ "ابولین رید"، سه دوره برای تکامل اجتماعی را ذکر می‌کند:

- ۱- دوره وحش خوبی^۱ یعنی دورهٔ شکارگری و گرد آوری غذا.
 - ۲- دورهٔ بربریت^۲ که در این دورهٔ کشاورزی و دام پروری، شیوه‌های متداول رسیدن به غذا بوده اند.
 - ۳- دورهٔ شهری گری(شهر نشینی)^۳ این دوره با تولید کالا و داد و ستد آغاز شد.
- سیستم جامعه در عصر وحش خوبی، سیستمی ایلی و خاندانی (قبیله‌ای) و بر پایهٔ خویشاوندان مادری^۴ بوده و زنان در آن نقشی سرآمد داشته‌اند. در این دوره، پیوندهای اجتماعی و جنسی "برابری خواه" وجود داشته و دو عامل "زاد آوری" و "پرستاری از کودکان" از علت‌های سرآمدی زنان بوده‌است. (واژهٔ وحشی به معنی مردم آغازین بوده، قصد تحقیر در کاربرد آن وجود ندارد). (رید، ۱۴۰۱، ص ۳۰-۲۵)
- رید به نقل از لوئیس مورگان می‌نویسد: سیستم خانوادهٔ مادری، پیشتر از خانواده - به معنی امروزی - در تاریخ پدیدار شده‌است و مردم شناسان امروزی، آن را (خویشاوندی اجتماعی) می‌نامند. در این سیستم، افراد بر مبنای جنس و سن خود رده بندی می‌شوند. کودک در این سیستم، گروهی از زنان را مادر خود می‌نامد. واژهٔ "مادر" کارکردی زیست شناسانه ندارد. حتی بچه‌های مادینه هم "مادر" نامیده می‌شوند، یعنی کارکرد اجتماعی جنس زن "مادر بودن" است. سیستم واژگان ایشان نیز متفاوت است. واژه "میا" در میان بومیان آروناتا - در استرالیا- برای مادر راستین و نیز برای همه دخترها کوچک گروه به کار می‌رود.

۱ savagery

۲ barbarism

۳ civilization

۴ Maternal kinship

مادر بودن در جوامع امروزی معمولاً معادل است با زائیدن، اما برای "وحشیان" هر زنی را شامل می‌شود که در پیوندی اجتماعی با ایشان است، حتی دختری که خود کودک بوده، در آغوش مادران گروه‌است، خود مادر است. (فریزر، ۱۹۰۷) آن‌ها هیچ واژه‌ای برای رابطه‌ی مادر- فرزندگی تکی ندارند زیرا رویداد فیزیکی ارزشمند نیست، بعدها که مادر و پدر تکی مفهوم یافت، خاندان پدری شناخته شد. جی جی باکوفن کتابی در ۱۸۶۱ منتشر کرد به نام "مادری" و گفت: همین مادران در گروه با هم "خواهر" شمرده می‌شدند. هر مردی تنها می‌توانست با زنی از طایفه‌ی مقابل ازدواج کند (گاهی محدودیت‌های دیگری هم بود مثلاً زنی هم سن خود یا هم نسل خود) مادر و خواهران آن زن نیز بر او حرام می‌شدند یعنی در جهان مردم نخستین، نیمی از زنان، خواهران بودند و نیمی در خور ازدواج. سخت‌گیری‌های بسیار برای رعایت این قوانین اعمال می‌شد اما منشأ این قوانین مشخص نیست. (ایولین رید، ۱۳۹۰، ص ۴۸)

پرستش‌های تحقیق

- مفهوم مادری بر اساس ایده‌ی ایولین رید در سه دوره مرحله‌ی شکارگری و عصر کشاورزی و دنیای مدرن چه تغییراتی کرده و چه مصادیقی داشته‌است؟
- مصادیق "مادر" در ادیان ابراهیمی شامل چه موارد و نقش‌هایی است؟
- در دنیای مدرن چه تحولاتی در مصادیق مفهوم "مادر" رخ داده‌است؟

روش مطالعه

روش تحقیق در مقاله حاضر مبتنی بر روش اسنادی است. این روش بر پایه منابع کتابخانه‌ای استوار است. با توجه به سؤالات پژوهشی، منابع اسنادی از جمله کتب مرجع، مقالات علمی پژوهشی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت و یافته‌های اسنادی بر پایه‌ی چارچوب نظری از بطن آنها استخراج گردید.

توصیف و تحلیل یافته‌ها

طبق فلسفه‌ی نومیالیسم (نام باوری، نام‌انگاری، اصالت تسمیه)، موجودات دارای ماهیت یا ذات نیستند و تعریف‌ها در کل به گوهر موجودات بازمی‌گردند و بیان عینی یا بازتاب واقعی نیستند؛ بلکه برداشت‌هایی هستند که خودمان آن‌ها را در مورد چیزها و امور مطرح کرده‌ایم. اسامی قراردادی هستند؛ یعنی نشانه‌ها یا نمادهایی برخاسته‌اند و وجود عینی و واقعی ندارند. فقط امور خاص و مشخص وجود دارند. امور کلی یا جهان‌شمول یعنی امور تجریدی، ایده‌ها و ذات‌ها وجود عینی ندارند و جز زاده‌های تخیل یا زبان ما به حساب نمی‌آیند. سرخی در دنیا نیست؛ چیزهایی وجود دارند که سرخ هستند. از نظر یک نام‌گرا اموری که با یک نام خوانده می‌شوند، در هیچ چیز با هم شریک نیستند، مگر همان نام. (صادقی، ۱۳۹۷، ص ۴۰)

(۳۵)

ممکن است بدیهی‌ترین واژگان در زبان انسان نیز شامل چنین نگاهی شود حتی واژه‌ی مادر.

"مادر" - و معادل آن در هر زبانی - زنی است که ما را زاده‌است اما این مفهوم در گذر تاریخ، مصادیق زیادی را متحمل شده‌است. مادر در جامعه ابتدایی - به اقتضای قوانین و سنن - می‌توانست شامل زنانی بسیار و حتی دختران قبیله باشد. الهه مادر نیز خدای زادآوری بوده با کارکرد خاص خود در جایگاه برترین مادر. در ادیان ابراهیمی نیز مفهوم مادر شامل مادر بیولوژیک و مادر بزرگها و اجداد مؤنث و مادر شیری و مادر و مادر بزرگ همسر است. تغییرات سریع جامعه بشری، این مصادیق را گسترده‌تر می‌کند. زنی که مادر بیولوژیک کودک نیست اما او را در رحم خود پرورده است و یا کودک را به فرزندی پذیرفته است. این مقاله در صدد بررسی تحولات مفهوم "مادری" در زبان انسانها است. با توجه به این که در صد بزرگی از جامعه بشری در طول چهار هزار سال گذشته تابع ادیان ابراهیمی بوده‌اند ضمن بررسی نقش مادر در جوامع ابتدایی، کارکرد واژه "مادر" در متون دینی سه دین بزرگ خاور میانه - بخصوص اسلام - بررسی می‌شود.

مصادیق مادر

۱- مادر جمعی و قبیله‌ای (این معنی - که در بالا توضیح داده شد - از جهت زمانی در اولویت قرار داده شده‌است).

به نظر می‌رسد در جامعه قبیله‌ای صدر اسلام هم بازمانده‌ای از این باور وجود داشته است. جستجو در واژه "امهات" در روایات مشخص می‌شود که این واژه (معادل مادران) در کارکردی گسترده‌تر از مادر اصلی فرد هم به کار رفته‌است به عنوان مثال:

در روایت ازدواج حضرت زهرا در بحارالانوار، پیامبر اسلام به بلال می‌فرماید: بخشی از غذای عروسی را برای مادرانت ببر تا خود بخورند و به افراد تحت پوشش خود بدهند (یا بلال احملمها علی امهاتک و قل لهن کلن و اطعمن من غشیکن) (بیش از دو نفر چون امهات جمع است و در زبان عربی برای دو نفر کلمه مثنی به کار می‌رود) چنین پیداست که این مادران، افراد تحت تکفلی نیز داشته‌اند. (مجلسی، ۴۳/۱۲۱)

۲- مادری بیولوژیک که کودک را به دنیا آورده‌است و یا صاحب تخمکی که ممکن است به جنینی تبدیل شده و در رحم زن دیگری رشد کرده‌است.

۳- مادر بزرگ^۱: در کلام امام علی به (قبور پدران و مادرانت) اشاره شده‌است یعنی واژه پدر و مادر - برای یک فرد - جمع بسته شده‌است و مراد، مادر و مادر بزرگهای در گذشته هستند. (مجلسی، ۱۴۰۴/ق، ۶۶/ص ۳۲۲) (و مانند آن در ۹۱/۲۸ و غیر آن) این کاربرد در کلام عرب بسیار متداول بوده‌است. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که: حرمت مادران و پدران به قدری بوده که به وجود ایشان سوگند یاد می‌کردند، مثلاً در حدیثی از پیامبر اسلام در کتاب کافی می‌گوید: هر کس خدا و عظمت ذات الهی را بشناسد، زبانش

را از سخن گفتن اضافی و شکم اش را از خوردن اضافی باز می‌دارد، سپس توصیه به روزه و شب زنده داری کرده می‌فرماید: سوگند به پدران و مارانمان که هر کس چنین کند از اولیای خدا است. (کلینی، ۲/۲۳۸) در کلام عصر نبوی، در خطابه‌های بسیاری این سخن دیده می‌شود: (پدر و مادرم فدای تو باد) و این یعنی اعلام گذشتن از با ارزشترین دارایی‌ها. (مانند کلینی، ۴/۲۹)

مادر بزرگها به عنوان مادران نسل دوم در مراقبت از فرزندان همیشه نقشی مهم دارند. (آزاد ارمکی،

۱۳۸۹، ص ۷۶)

۴-مادر خوانده یا هر رابطه ادعایی مادر- فرزندی [این بند از مهمترین مباحث در شرح مصادیق مادری

(است)

عرب در هنگام خشم بر همسرش سوگند یاد می‌کرد که این زن مادر او است و البته نمی‌توانست او را از خانه براند اما رابطه زن و شوهری ایشان حرام می‌شد و این را "ظهار" می‌نامیدند. قرآن این کار را منع کرده می‌فرماید:

خدا برای هیچ کس دو قلب، در درونش قرار نداده است و همسرانتان که آن‌ها را ظهار می‌کنید مادران شما قرار نداده است و (نیز) پسرخواندگانتان را پسران (واقعی) شما قرار نداده است، این (گونه سخنان فقط) گفتار شماست که بر زبان‌هایتان (جاری) است، حال آنکه خدا است که حق را می‌گوید و هموست که به راه (راست) هدایت می‌کند. (احزاب/۴) آنها (پسرخواندگان) را به نام پدران (واقعی) شان بخوانید، که این نزد خدا عادلانه‌تر است و اگر پدران شان را نشناختید، پس برادران شما در دین و دوستان هم پیمان شما خواهند بود، و در مورد آن (نسبت دادن پسرخوانده و ظهار) که آن را به خطا انجام داده‌اید، بر شما گناهی نیست ولی (در مورد) آنچه که دل‌هایتان به عمد مرتکب شده‌است (بر شما گناه خواهد بود)، و خدا بسیار آمرزنده مهربان است. (احزاب/۵) قرآن می‌فرماید: مادران شما زنانی هستند که شما را به دنیا آورده‌اند (مجادله/۲)

تورات داستانی را ذکر می‌کند که در آن ابرام - که بعدها نام ابراهیم می‌گیرد، در سفر به مصر، همسر خود را خواهر معرفی می‌کند. مفسرین یهود در توجیه این مطلب - که مفسرین اسلامی اصل آن را نفی می‌کنند - به رسمی اشاره می‌کنند و می‌نویسند: طبق رسمی در بین النهرین علیا، شوهر می‌توانست زن خود را به صورت خیالی چون "خواهر" اختیار کند و آنگاه زن از حرمتی افزون‌تر و امتیازاتی ویژه برخوردار می‌گشت. شاید این شبیه‌ترین رسم به ظهار باشد با این تفاوت که ظهار در حال خشم بر همسر بوده و این رسم - که نامی برای آن نیست - علی‌الظاهر برای حفظ خون مرد از کشته شدن بوده است. (عهد عتیق، پیدایش، پاورقی ص ۱۶۷) قرآن چنین داستانی را در مورد ابراهیم ذکر نکرده است و البته در شأن یک انسان خداویر نیست که دروغ بگوید و همسر خویش را در شرایط ازدواج با غیر قرار دهد.

قرآن ماجرای فرزند خوانده پیامبر به نام "زید" را نقل می‌کند: زید در کودکی از قبیله اش کلب به اسارت گرفته شد. حکیم بن حزام وی را برای عمه اش خدیجه خریداری کرد. خدیجه نیز زید را به همسرش،

پیامبر اسلام، هدیه نمود. پیامبر زید را آزاد کرد. پس از مدتی پدربزرگش و عمویش که در جستجوی او بودند، او را پیدا کردند. پیامبر زید را بین ماندن نزد خویش یا رفتن نزد پدربزرگش مخیر نمود و زید ماندن نزد پیامبر را ترجیح داد. پس از این واقعه، پیامبر او را به فرزندی گرفت و قریش را گواه گرفت که آن دو از هم ارث می‌برند و از آن پس زید بن محمد نامیده شد. ممکن است علت تصریح قرآن بر این ماجرا و تزویج همسر زید بر پیامبر، رفع ممنوعیت ازدواج با همسر فرزند خوانده باشد و البته تأکید بر تفاوت ادعیاء با فرزندان واقعی - و حتی کودکانی که از سر عشقی واقعی به فرزندی پذیرفته شده‌اند - زیرا گسترش دامنهٔ محارم می‌تواند در دسر ساز باشد (چنان که در مورد جوامع عصر شکارگری ذکر شد).

در امپراطوری روم، فرزند پذیری معمولاً برای ارتباطات سیاسی و حفظ اموال بوده‌است. فرزند خوانده‌ها مردانی بالغ و آزاد بودند. پیش از ظهور اسلام فرزند پذیری در عربستان امری متداول و رایج بوده‌است. آنان قوام و بقای جامعه و خانواده را به اولاد ذکور می‌دانستند و داشتن فرزند دختر را موجب ماندگاری نسب نمی‌دانستند. علامه طباطبایی می‌گوید: «همین اعتقاد منشأ پیدایش عمل "تبنی" شد، یعنی باعث آن شد که اشخاص بی‌پسر، پسر دیگری را فرزند خود بخوانند و تمامی آثار فرزند واقعی را در مورد او هم مترتب سازند، برای این که می‌گفتند خانه‌ای که در آن فرزند پسر نیست محکوم به ویرانی و نسل صاحب‌خانه محکوم به انقراض است، لذا ناچار می‌شدند بچه‌های پسر دیگران را فرزند خود بخوانند، تا به خیال خودشان نسل‌شان منقرض نشود و این فرزند را فرزند قانونی خود به حساب می‌آوردند، و به او ارث می‌دادند و از او ارث می‌بردند. برخی معتقدند که آنچه در قرآن نهی شده‌است "تبنی" است و این با فرزندپذیری متفاوت است. در آیه ۵ سورهٔ احزاب آمده‌است که ادعیاء (پسرخوانده‌های) خود را پسر نخوانید یا در آیهٔ ۲۳ سورهٔ نسا ازدواج با همسر پسرخوانده را جایز می‌شمرد و سخنی از ازدواج با همسر دخترخوانده نیست. (به نظر نمی‌رسد عرب‌گرایشی به پذیرفتن دختر خوانده داشته باشد) پسرخوانده‌های مشهور بسیاری در صدر اسلام وجود داشته‌اند از این رو می‌توان تبنی را متفاوت از فرزندپذیری تلقی کرد و آیات قرآن را موید لغو تبنی دانست نه فرزندپذیری که نهادی جدید است که در زمان نزول قرآن موضوعیت نداشته‌است. در حال حاضر نیز تبنی در برخی کشورها از جمله ژاپن وجود دارد. پسرخواندگی افراد بزرگسال به منظور حفظ نام خانواده و ادارهٔ اموال صورت می‌گیرد. (عالمی، ۱۳۹۲)

وقتی خانواده‌ای - معمولاً بدون فرزند - کودکی را به فرزندی می‌پذیرد و عشق خود را نثار او می‌کند و حتی به شکل قانونی او را وارث اموال خود می‌کند، قصدی سیاسی و دنیوی در این مطلب دخالت ندارد و والدین این کودک او را دوست خواهند داشت و این "عشق و احساس" تفاوت میان فرزند خواندگی امروزی با "ادعای فرزندی" در میان رومیان و اعراب با تبنی غیر از محبت ورزیدن است.

فرزند پذیری در میان مصریان نیز امری بسیار متداول بوده چنان که یوسف در نوجوانی از سوی عزیز مصر به فرزندی پذیرفته شد (اما در نهایت، همسر عزیز به او به دیده فرزند ننگریست). موسی نیز فرزند

خوانده فرعون شد. در برخی اقوام، پذیرش کودک به عنوان فرزند خوانده پس از مرگ کودک بسیار متداول بوده است در میان بومیان آمریکا وقتی دو قبیله می‌جنگیدند و کودکی به اسارت گرفته می‌شد، هر کس پسرش در جنگ کشته یا مفقود شده بود، او را به فرزند می‌پذیرفت. در میان ملل ایروکوئی در شمال شرقی، «جنگ‌های عزاداری» اجرا می‌شد، چنین درگیری‌هایی شامل یورش به قصد دستگیری زندانیان بود که سپس توسط خانواده‌های داغ‌دیده به فرزندخواندگی برای جایگزینی اعضای خانواده‌ای که به دلیل بیماری یا جنگ پیش از موعد مرده بودند پذیرفته شدند. فرزندخواندگی غالباً شامل دریافت نام یکی از اعضای متوفی قبیله اسیرکننده و دریافت موقعیت اجتماعی متوفی (جایگزینی یک فرد متوفی با فرزند خوانده) می‌شد. به نظر می‌رسد که کودکان و دختران نوجوان به طور معمول به فرزندخواندگی پذیرفته شده‌اند. (بنگرید به ویکی پدیا *captives in American indian wars*)

اتوکالین برگ ضمن بررسی رفتار مادرانه در بحث فرزند پذیری به پدیده‌های جالبی اشاره می‌کند و می‌نویسد: در تمدن و آداب و رسوم ما پدر و مادر ترجیح می‌دهند خود فرزند داشته باشند تا بچه‌های دیگران را به فرزند پذیرند و فرزند پذیری اولویت دوم ایشان است اما در عده‌ای دیگر از جوامع، ظاهراً میان فرزند خود و دیگران تفاوتی وجود ندارد. در جزایر موری دماغه توریس به دست آوردن دودمان نامۀ خانواده‌ها کار بسیار دشواری است و مردم در این موضوع بسیار سهل‌انگار هستند. قبول فرزندان دیگران بسیار رایج است و همه این کار را می‌کنند و گاهی نیز پیش از تولد طفل این معامله انجام می‌گیرد بدین ترتیب، معمول این است که نمی‌گذارند طفل از هویت پدر و مادر واقعی خود آگاه شود. در جزیره آندامان نیز کمتر کودک ۶-۷ ساله‌ای با پدر و مادر واقعی خود زندگی می‌کند زیرا علامت تعارف و دوستی در این جزیره این است که: مرد متاهلی وقتی به دیدن کسی می‌آید از میزبانان بخواهد که به او اجازه دهند یکی از بچه‌های آنان را به فرزند بگیری و این تقاضا عموماً مقبول واقع می‌شود، در این مورد ظاهراً خویشاوندی معلوم است اما عواقب آن چندان نیست. در بورنئو معمولاً قبول فرزند با رضایت والدین است اما ممکن است این فرزند برده یا اسیری باشد که والدین به اجبار از او دل‌کنده‌اند. تشریفات پیچیده هم برای این کار وجود دارد، به مدت چند هفته مادرخوانده تمام محرمات بارداری را رعایت می‌کند تا مادر شود و در پایان کسی فرزند را به میان پاهای او می‌افکند، اگر سن فرزند کم باشد، پستان در دهان کودک می‌گذارد. این مراسم بسیار کامل انجام می‌شود و منصرف کردن پدر و مادر جدید بسیار دشوار است. در چند مورد هم به پذیرفتن افراد بالغ به فرزند اشاره شده است. سرخ پوستان اوهاما وقتی دسته‌ای از جنگ آوران به اسارت به چنگشان می‌افتند، هر که فرزند خود را گم کرده است یا بچه ندارد این اسیران را به فرزند می‌پذیرد. بسیاری از جماعت سرخپوست برای یافتن جانشین برای اعضای که ناپدید شده‌اند احساسات نیرومندی دارند. (برگ، ۱۳۸۶، ج ۱/ ۱۰۸-۱۱۱)

(در برخی مناطق کشور خودمان نیز چنین قضیه‌ای به فرمی دیگر وجود دارد مثلاً: عمه یا عمویی که فرزند ندارد، فرزندان برادر خود را- و احیاناً فرزند خواهر خود را- به فرزند می‌پذیرد و یا زمانی که فرزند می‌میرد، فرزند دیگری را که به دنیا می‌آیند او را "عوض" می‌نامند -در مورد پسران- یعنی جایگزین). برگ واقعه‌ای را از تانر نقل می‌کند که در آن مادری حاضر می‌شود جوانی را به فرزند می‌پذیرد که فرزندش را در نزاع و مستی به قتل رسانده‌است. اگر احساس مادری را که در جامعه ما بخواهد از قاتل فرزند خود در خانه پذیرایی کند مجسم کنیم، ملاحظه می‌کنیم تا چه حد "عشق مادری" ممکن است در جامعه‌ها متفاوت باشد. (همان منبع)

خانم دکتر نرمینه معینیان گزارشی از چنین اقدامی را در ایران ارائه داده‌اند که قاتلی در آستانه قصاص تقاضای عفو می‌کند و اعلام می‌کند که حاضر است فرزند مادر مقتول باشد و آن مادری قاتل تنها فرزند خود را می‌بخشد و به فرزند می‌پذیرد. (پیام آذربایجان، ۱۴۰۱)

نکته جالبی که در چنین مواردی از فرزند خواندگی هست این است که: دلبستگی پدر و مادر به فرزند خود معلول آداب و رسوم جامعه است البته معمولاً کشش والدین به فرزند بسیار است اما تابعیت از آداب و رسوم گاهی بر آن غلبه می‌کند مثلاً در جزایر ژیلبر غالباً افراد بچه دیگران را به فرزند می‌پذیرند و والدین اجازه مخالفت با درخواست آنان را ندارند و وادار به این کار می‌شوند. پذیرفتن کودک همواره با عشق توأم نیست، در برخی جوامع پدر و مادر خوانده علناً فرزند خوانده خود را "یتیم" یا "حرام زاده" خطاب می‌کنند و البته فرزندپذیری در میان آنها نادر است. (برگ ۱۳۸۶، ص ۱۰۷)

گاهی فراوانی فرزندپذیری در میان قبائل ابتدایی را به دلیل عشق نوعی به کودکان می‌دانند - عشقی که نسبتی با هم خونی ندارد- اما این قضیه با شیوه دیگری از رفتار برخورد می‌کند که در جوامع ابتدایی وجود دارد و آن "**فرزند کشی**" است. این رسم بسیار رایج است و برای آن مثال‌های بسیاری می‌توان ذکر کرد. دلایل این امر بسیار است. در قبایل موری تنگه توریس پسندیده می‌دانند که تعداد دختران پسران برابر باشد و اگر عده دختران و پسران از حد بگذرد آن‌هایی را که اضافی هستند می‌کشند! در هبرید جدید زنان وظایف بسیاری دارند و توان رسیدگی به چند فرزند را ندارند پس بقیه فرزندان را به محض تولد زنده به گور می‌کنند. فرزند کشی در استرالیا به جهت شأن خانوادگی هم متداول بوده‌است، در چین نیز وقتی چاره دیگری نیست مثلاً شرایط اقتصادی چنان است که تربیت کودکان میسر نیست دست به فرزند کشی می‌زدند. از زن استرالیایی علت کشتن نوزاد را می‌پرسند. او با بی‌اعتنایی فرزند دو ساله‌اش را نشان می‌دهد یعنی سبب قتل یک فرزند، فرزند دیگری است. صورت عواطف در فرهنگ‌های مختلف به حدی فرق می‌کند که تبیین طبیعت حقیقی آن‌ها همیشه آسان نیست. در جوامع مدرن نیز گاهی فرزند کشی به شکن

۸- با رواج مشروبات الکلی با درصد بالای الکل در میان بومیان، چنین نزاع‌هایی بسیار متداول بوده. مطالعه نسل کشی تعدمی بومیان آمریکای شمالی و جنوبی با الکل پیشنهاد می‌شود. کتب مستقلی در این مورد نوشته شده است.

"سقط جنین" و گاهی بعد از تولد- بخصوص تولد خارج از چارچوب قانون و شرع- وجود دارد. آریوئی‌های تاهیتی قاعده‌ای دارند که اصلاً استثنای پذیر نیست، همه کودکان به محض تولد کشته می‌شوند و مادری که از این کار اجتناب کند "کارخانه بچه سازی" لقب می‌گیرد.

۴- پدر در نقش مادر

برخی با بررسی چنین مباحثی، در "غریزه مادری" تردید کرده‌اند و برنار- که منتقد مفهوم غریزه است- معتقد است که عوامل اجتماعی و سنتی چیزی است که به عنوان "رفتار غریزی" شمرده شده‌است. در میان مانوهای گینه، مردان فرصت بیشتری دارند و صرف نظر از بچه داری نخستین مادر، پدر بیشتر از مادر از کودکان مراقبت می‌کند. بچه‌های این قبیله عروسک ندارند اما زمانی که پژوهشگر عروسک‌های چوبی در اختیار کودکان می‌گذارد، پسر بچه‌ها بیش از دختران به عروسک‌ها علاقه نشان می‌دهند و میل دارند با آن‌ها بازی کنند یعنی عوامل اجتماعی در پسران رفتاری را ایجاد می‌کند که در جوامع امروزی برای دختران "غریزی" شمرده می‌شود. (برگ، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰)

۵- مادر همسر

قرآن در بیان لیست زانی که ازدواج با ایشان حرام است می‌نویسد: (نکاح اینان) بر شما حرام شده‌است: مادرانتان، و دخترانتان، و خواهرانتان، و عمه‌هایتان، و خاله‌هایتان، و دختران برادر، و دختران خواهر، و مادرهایتان که به شما شیر داده‌اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران زنانان، و دختران همسرانتان که (آن دختران) در دامن شما پرورش یافته‌اند و با آن همسران همبستر شده‌اید- پس اگر با آن‌ها همبستر نشده‌اید بر شما گناهی نیست (که با دخترانشان ازدواج کنید)- و زنان پسرانتان که از پشت خودتان هستند، و جمع دو خواهر با همدیگر- مگر آنچه که در گذشته رخ داده باشد- که خداوند آمرزندهٔ مهربان است (نساء/۲۳) یعنی با خواندن صیغهٔ عقد، علاوه بر زن و شوهر، برخی از خویشاوندان مرد و زن بر یکدیگر محرم می‌شوند که به آن‌ها محارم سببی می‌گویند. آیهٔ محارم به چهار مورد از این زنان، اشاره کرده که عبارتند از: مادر زن، ربیبه (دختر زن از شوهر دیگرش)، زن پسر (عروس) و ازدواج با دو خواهر در زمان واحد.

۶- مادر شیری

محرّمیت رضاعی یعنی خویشاوندی که بر اثر شیر خوردن کودک از زنی غیر از مادرش ایجاد می‌شود . در این آیه (نساء/۲۳) فقط به حرمت ازدواج با مادر و خواهران رضاعی اشاره شده‌است . فقها با استناد به روایتی از پیامبر (ص) می‌گویند: هر آنچه به واسطهٔ نسب حرام است، به واسطهٔ رضاع نیز حرام است همه زنانی که به واسطهٔ نسب، ازدواج با آن‌ها حرام است، ازدواج با آن‌ها به واسطهٔ رضاع را نیز حرام دانسته‌اند. (فاضل مقداد، ۱۴۲۲، ۲/۱۸۲) محرّمیت به واسطهٔ شیر خوردن در آئین یهود و مسیحیت وجود ندارد. به نظر می‌رسد علت حرمت ازدواج بین یک زن با کودکی که به او شیر داده‌است، وجود رابطه‌ای عاطفی بین افراد است یعنی شیر خوردن نمی‌تواند تغییری ژنتیکی در فرد ایجاد کند و او را به نوعی به فرزند فرد بدل کند اما می‌تواند نشانه این باشد که روابط بین این افراد به قدری نزدیک بوده که نباید با شائبه‌ای جنسی آمیخته

شود. پسر و دختری که در آغوش مادری واحد شیر خورده‌اند، احساسی مانند خواهر و برادر به هم خواهند داشت. اسلام این احساس را ارج می‌نهد و پاسدار این حرمت‌ها است. در فتوای "بخاری" از نویسندگان کتب حدیث اهل سنت، مفهوم "خواهر و برادری" حتی با خوردن شیر یک گاو نیز به وجود می‌آید. البته این فتوا از سوی علمای شیعه و حتی بسیاری از سنیان پذیرفته نشده است. (السرخسی، بی‌تار، ج ۵، ص ۱۳۹) پیامبر اسلام نیز حداقل یک مادر شیری به نام حلیمه- و احياناً خواهران شیری- داشته است. به نظر می‌رسد سپردن کودکان به زنی دیگر برای شیر دادن و نگهداری امری عادی بوده است.

۷- همسران پیامبر اسلام

همسران پیامبر اسلام مادران فیزیولوژیک امت نیستند اما به شکلی نمادین "امهات المؤمنین" نامیده شده‌اند.

بیان حرمت ازدواج با ایشان جنبه‌ای سیاسی دارد زیرا با در نظر گرفتن جایگاه ایشان، اگر با فردی ازدواج می‌کردند آن فرد می‌توانست مدعی خویشاوندی پیامبر باشد. برخی افراد در زمان حیات پیامبر نیز خواهان این بودند که بعد از مرگ پیامبر با همسران ایشان ازدواج کنند، برخی به جهت دشمنی و برخی به طمع جایگاهی اجتماعی، پس قرآن ایشان را مادران امت نامید. قرآن کریم می‌فرماید: پیامبر نسبت به مؤمنان از خود آنان سزاوارتر است (اختیار بیشتری درباره آنان دارد) و همسران او [در حکم] مادران ایشانند، و خویشاوندان به حکم کتاب خدا (در مورد ارث) نسبت به یکدیگر سزاوارتر از مؤمنان و مهاجران اند (تا خویشاوند هست کسان دیگر ارث نمی‌برند) مگر آن که بخواهید به دوستان و وابستگان خود احسانی کرده باشید (که مانعی ندارد وصیتی در حق آنان کنید)، این حکم در کتاب الهی نوشته است (احزاب/۶) در این آیه امهات مجازاً بر همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اطلاق شده است و مقصود از آن حرمت ازدواج با آنان است، نه آنکه در حکم مادر حقیقی باشند؛ زیرا در این صورت باید حکم به تحریم دخترانشان بر امت نیز بشود؛ در حالی که این چنین نیست این‌ها خود دلیل است که مقصود از «امهات» مادر بودن از جهت تحریم در ازدواج است. در آیه اشاره شده به اولویت خویشاوندان در ارث، یعنی همسران پیامبر در حکم مادران هستند اما اولویت با مادران نسبی است و همسران پیامبر و هر فرد دیگری که ادعای ارتباطی خویشاوندی برای او شده است ارث نمی‌برد.

۸ - مفهوم مادر با اجاره رحم

مادر از طریق رحم جایگزین، زنی است که از طرف زوجی که قادر به به دنیا آوردن فرزند نیستند از تخمک بارور شده زن دیگری فرزندی به دنیا می‌آورد. بنابراین "مادر جانشین" فرزندی را به دنیا می‌آورد که مادر بیولوژیکی او نیست. مادر جایگزین با پیشرفت در فن آوری‌های تولید مثل، مانند لقاح آزمایشگاهی امکان‌پذیر شده است. همه زنانی که از طریق لقاح آزمایشگاهی باردار می‌شوند، مادر جایگزین نیستند. زیرا

ممکن است تخمک خود ایشان برای باروری به کار رفته باشد. در رحم جایگزین دو مادر نقش دارند: یک مادر ژنتیکی است که تخمک را تامین می‌کند و یک مادر حامله (یا جایگزین) که کودک را تا پایان دوره حمل می‌کند. ممکن است زوج‌های تراجنسیتی برای این کار اقدام کنند. فناوری و زیست - فناوری‌های نوین، امکان اهدای تخمک و جنین را به زوجین نابارور فراهم آورده است. در نتیجه یکی از پرسش‌های مهمی که رخ نموده این است: آیا کودک حاصل از اهدای یاد شده، نسبتی با مادری که او را در رحم خود پرورده است دارد یا نه؟ به طور حتم، "مادر جایگزین" در این قضیه، حق مادری بر طفل را دارد اگر چه ممکن است از طفل جدا شود و دیگر او را نبیند. گاهی نشناختن مادر بیولوژیک هم می‌تواند به یک مشکل تبدیل شود و این سؤال نیز مطرح می‌شود: آیا کودک حقی بر شناختن پدر و مادر بیولوژیک خود دارد؟ دو معنی از معنای حق (معنای ادعا و آزادی) در این مسأله قابل تصور است. به نظر می‌رسد نشناختن منشا بیولوژیک، گوهر انسانی یا ارزش‌های کرامت ذاتی و فاعلیت اخلاقی را به خطر نمی‌اندازد. در نتیجه تنها می‌توان از حق (آزادی) بر شناختن پدر و مادر بیولوژیک دفاع کرد. (خدا پرست-راسخ، ۱۳۸۶)

استفاده از شیوه اهدای تخمک از جمله فناوری‌های کمک باروری (ART) است که در سال‌های اخیر به دنبال موفقیت روزافزون آن به زنان ناباروری که به دلیل مشکلات تخمدان یا دیگر موضوع‌های پزشکی قادر به فرزندآوری با تخمک خود نیستند، امید بسیار زیادی برای رسیدن به آرزوی داشتن فرزند بخشیده است. شناخت تجربه زنان نابارور در دوره دشوار تصمیم‌گیری برای استفاده از اهدای تخمک و ترجیح این شیوه درمان به دیگر راه‌های جایگزین (فرزندپذیری یا ادامه زندگی بدون فرزند)، بسیار بااهمیت می‌نماید. امکان تجربه حاملگی، زایمان و شیردهی در اهدای تخمک و نیز انتقال ژنتیک شوهر در این روش ممکن است. (ایزدیار، ۱۳۹۳، ص ۲۰)

۹- الهه مادر (مظهر زمین و باروری)

الهه مادر برای تمام مردم در جایگاه برترین مادران است. ایزدبانو ایست که نمایانگر و تجسم بخش طبیعت، مادری، باروری، آفرینش، اسطوره‌های آفرینش، بلایای طبیعی و تجسم بخشش و سخاوت زمین است. گاهی نیز به آن مادر زمین گفته می‌شود. (فانیان، ۱۳۵۱)

اگر چه در ادیان آسمانی، "مادر" یک الهه نیست اما تقدسی خاص دارد. "مسیح"، "پسر انسان" خوانده می‌شود (دانیال، فصل ۷، آیات ۱۳ تا ۱۴) این عنوان علاوه بر اشاره به انسان بودن مسیح، مادر او را در جایگاه خاص "انسان" قرار می‌دهد. قرآن نیز در سوره مریم به جایگاه خاص مریم پرداخته، در حالی که سوره‌ای به نام مسیح وجود ندارد. ضمن تاکید قرآن بر جایگاه والدین در قرآن، تاکید بسیاری بر جایگاه مادر هست.

در فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف، نام‌های الهه مادر متعددی وجود دارد که نشان دهنده تنوع و غنای این باورهاست. از الهه یونانی دیمتر تا الهه دورگا هندو، هر خدایی نمایانگر جنبه‌ای منحصر به فرد از

زنانگی و قدرت الهی است. داستان‌ها و افسانه‌های پیرامون این الهه‌های مادر، بیش‌تر در مورد ارزش‌ها و باورهای فرهنگ‌هایی که آن‌ها را می‌پرستیدند، ارائه می‌دهد.

از مشهورترین مادران تاریخ: کالی - همسر شیوا- ایزدبانوی زمان و دگرگونی است که چون نیروی مادری جهان ظاهر می‌شود. بانوی اسطوره‌ای جهان از دوره نوسنگی. وی در تصویر مجسمه‌ای زشت و هراسناک معرفی می‌شود هر چند دلسوز و برترین رنجبر است. کالی با شیاطین جنگید و برای این که خوششان بر زمین نریزد، خون همه را مکید و به جنون رسید. (عسگری، ۱۳۸۶) همان شاکتی خدا بانوی فنا. سرسوتی الهه علم و دانش و هنر، همسر برهما و دورگا الهه شجاعت و شادی.

آناهیتا یا ناهید، ایزد بانوی پرشکوه که مادر همه دانش‌ها شمرده می‌شد، همپای سرسوتی بانوی دارنده آب و ایشتار، خدای جنگ و زیبایی و عشق و حاصلخیزی خاک. بخشی از اوستا به نام "یشتها"، ستایش سرود ناهید است که در کنار نهرهای روان خوانده می‌شود. (ثمودی، ۱۳۸۷)

آفرودیت الهه عشق یونانی و ونوس الهه زیبایی روم، بخشایشگر زیبایی و جذب کننده جنسی بوده‌است. در افسانه‌های الهه‌های مادر هندی، مادران هر نوع فداکاری برای فرزند و ملت انجام می‌دهند. گاهی فرزند در رحم دو مادر جایجا می‌شود، گاهی مادر برای حفاظت از فرزند پسر- که پادشاه دستور کشتن او را داده، فرزندش را با دختر مادری دیگری عوض می‌کند. گاو می‌چرانند و با اهریمنان مبارزه می‌کنند. لاکشمی ایزدبانوی ثروت همسر ویشنو خدای نگهدارنده.

۱۰- تغییر جنسیت پدر

یکی از معضلاتی که دنیای کنونی با آن دست به‌گریبان است، بحث اختلال‌های هویت جنسیتی است. دخترانی که با بدن خود مشکل دارند و تحت شرایطی با عمل جراحی و تغییر ساختار بدن، از نقش زنانگی خود خارج می‌شوند و البته پسرانی که با تغییرات جسمی خود، تلاش می‌کنند به جنس مخالف بدل شوند. چالش‌هایی در نتیجه این عمل به وجود می‌آید که یک از آن‌ها تغییر در جایگاه مادری و پدری است. زنانی که با عمل جراحی، جنسیت خود را به مرد تطابق داده‌اند و رحم خود را دارند می‌توانند با تلقیح تخمک خود، "مادر" باشند در حالی که ظاهری مردانه دارند. "ولایت بر فرزند: و "حق حضانت" نیز از مسائل مورد بحث است.

خلاصه احکام فقهی در این باب: تغییر جنسیت عبارت است از تبدیل یا تغییر جنسیت یک فرد از مذکر به مؤنث یا از مؤنث به مذکر. در باب عبادات، افراد تغییر جنسیت داده به صورت کلی می‌توان گفت که جنسیت فعلی فرد مالک تعلق تکالیف است.

در صورتی که فرد تغییر یافته سابقاً ازدواج کرده باشد، به محض تغییر جنسیت، عقد سابق باطل می‌شود، عده ساقط شده، مرد باید مهریه را بپردازد. هر گاه مادر تغییر جنسیت دهد، هیچ‌گاه بر کودکانش ولایت پیدا نمی‌کند. حق حضانت مادر باقی است زیرا با وجود تغییر جنسیت و زوال انوئیت، حق مادر بر

جای خود استوار است. پس از تغییر جنسیت (برای والد یا فرزند)، قرابت نسبی از بین نمی رود. کسی که کودک را به دنیا آورده، "مادر" اوست و این با تغییر جنسیت تغییر نخواهد کرد. (مرادخانی-معماریان، ۱۳۹۲) سؤال دیگری که می تواند مطرح شود؟ آیا پدر بیولوژیکی بعد از تغییر جنسیت به زن، مادر کودک خوانده می شود؟ آیا حقوق پدری بر او مترتب است یا حقوق مادری؟ طبق فتاوی مراجع، احکام پدری بر او مترتب است اما این کودک است که با هویت پدر یا مادر درگیر است.

۱۱- مادر تعمیدی

والدین تعمید در بسیاری از مذاهب مسیحی، به شخص اطلاق می شود که ناظر غسل تعمید نوزاد است و به آن شهادت می دهد از هر دو منظر مذهبی و مدنی، والد تعمیدی تمایل دارد که انتخاب منحصر به فرد توسط والدین باشد تا به تربیت و رشد شخصیتی کودک توجه نشان دهد و مراقبت از کودک را در صورتی که اتفاقی برای والدین رخ دهد، برعهده بگیرد. والد تعمیدی مرد پدر خوانده، والد تعمیدی زن مادرخوانده و کودک فرزنده خوانده نامیده می شود. نقش والدین تعمیدی یا همان پدر و مادر تعمیدی که در حال حاضر بیشتر به یک جایگاه سمبولیک می ماند، به عنوان حامی رشد و نمو دینی طفل و ناظر بر عملکرد والدین در تربیت مسیحی کودکان محسوب می شود. البته طبق سنت کلیسایی، نقش والدین تعمیدی تنها محدود به آنچه کلیسا تعیین کرده نمی شود و گاهی فراتر از آن نیز می رود. اولین اشاره ها به واژه کفیل یا حامی (Sponsor) را می توان در نوشته های ترتولیان در قرن دوم مشاهده کرد؛ که بطور رسمی در شورای مانیز (۸۱۳ میلادی) شورای ترنت (۱۵۴۵-۱۵۶۳) و شورای دوم واتیکان در قرن بیستم مطرح گردید و در برخی از این شوراها محدودیت هایی برای مشارکت در آثار این پیوند قائل شدند. (هیلنز، ۱۳۹۲، ۲۶۶) به نظر می رسد قرار دادن والدینی به عنوان مادر و پدر تعمیدی، پیش بینی برای شرایطی است که امکان دارد فرزند، پدر و مادر خود را از دست بدهد و کسی را برای مراقبت نداشته باشد. انتخاب افرادی قابل اعتماد توسط والدین بیولوژیکی نشانگر توجه ایشان به آینده فرزند و البته رشد معنوی اوست.

۱۲- پرستار و قابله

در جوامع ابتدایی و روستایی، زنانی که به تولد کودک کمک می کردند، حق مادری بر گردن او داشتند و "مادر" تلقی می شدند. در احادیث نیز ذکر شده است:

مرد با قابله خود و دخترش ازدواج نمی کند (کافی، ۴۴۸/۵) او جزو مادران اوست. در حدیثی دیگر: اگر در زایمان مادرش کمک کرده و رفته مشکلی نیست اما اگر کمک کرده و او را بزرگ کرده بر او محرم است (کافی، ۴۴۸/۵) آنچه مشخص است در این موضوع، بیشتر از کمک به زایمان، مراقبت از کودک مد نظر بوده است یعنی زنی که در نگهداری از کودک به مادر کمک می کند در این جایگاه خاص قرار می گیرد.

نتیجه گیری

مصادیق متعددی برای مادر وجود دارد و به نظر می رسد در کنار نقش مادر بیولوژیکی که فرزند خود را به دنیا می آورد و بزرگ می کند، افراد بسیاری هم می توانند جایگزین نقش مادر باشند. "مادری" در

طول تاریخ، تحول بسیاری را به خود دیده که گستردگی بسیار برای افرادی که نقش مادری را پذیرفته‌اند ایجاد کرده‌است.

پیشنهادها

- پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های دینی به جایگاه‌های اجتماعی و فلسفه تشریح حکم بیشتر توجه شود.

- با توجه به پیشرفت‌های علمی و به وجود آمدن نقش‌های جدیدی مانند مادر در رحم جایگزین و انتقال تخمک و اسپرم و تغییر جنسیت پدر به مادر و... پیشنهاد می‌شود با نگاهی وسیع‌تر در احکام فقهی بازبینی روی دهد.

References

- Asgari, Leila, (2016), The Presence of the Great Goddess in Iranian Languages and Dialects, "Dialectology" Fourth Volume, Number 1 and 2.
- Azad Aramaki, Taghi, (2009), Sociology of the Iranian Family, Samt Publications, Tehran.
- Al Sarkhsi Al Hanafi, Shams al Din Muhammad, (N.D) Al Mabusut, Publisher: Dar Al Marafah Beirut.
- Berg, Autocline, Social Psychology, (2006) Translation: Ali Mohammad Kardan, Scientific and Cultural Publication.
- Cheraghi, Ismail, (2008), Feminism and the functions of the family, publication: Marafet (science promotional), number 131.
- Eastern Synagogue, (1981), Qumos Kitab al Maqdis, pamphlets of the Al Mashal school.
- Dekhoda, Ali Akbar, Dekhoda Dictionary, (1993), Tehran University Press, Tehran.
- Garrett, Stefani, (2016), Sociology of Gender, translation: Ketayoun Beqaei, Nei Publishing House, Tehran.
- Giddens, Antonig, (1995), Sociology, Translated by Manouchehr Sabouri, Tehran, Ni.
- Fanian, Khosrow, (1972), Worshiping the Mother Goddess in Iran, Journal of Historical Studies, No. 43.
- Fahimi, Munira, Motherhood, analysis of women's experience and the effect of infertility on women's lives, (2008), Book of Social Sciences Month, No. 24.

- Frazer, James G. , *The Golden Bough*, 12 vols, London and New York, Macmillan, 1907 15 .
- Kilini, Mohammad, Al Kafi, (1986), *Dar Al Katb al Islamiya*, 4th edition, Tehran.
- Khodaparast, Amir Hossein, Rasakh, Mohammad, (2006), *The right to know biological parents*, Chapter: Fertility and Infertility, Volume 8, Number 3: 247 258
- Jamili Kohneh Shahri, Fatemeh, (2016), *A discussion about the sociology of Durkheim's family*, *Al Zahra University Journal of Humanities*, No. 21: 49 80
- Moradkhani, Ahad and Memarian, Zahra, (2012), *Rulings on changing the gender of couples from the perspective of Imamiyyah jurisprudence*, *Jurisprudential Philosophical Studies Journal*, 4th year, number 16.
- Moinian, Narmineh, (2007), *Payam Azarbaijan newspaper*.
- Michel, Andre, (1975), *Sociology of family and marriage*, Translated by: Feringis Ardalan, Tehran University Press.
- Makarem Shirazi, Nasser, (2006), *The Message of the Qur'an*, and colleagues, *Darul Kitab al Islamiya*, Tehran.
- Maqshoodi, Manijeh, (2008), *Anthropology of family and kinship*, Shiraz publication.
- Majlesi, Mohammad Baqir, *Bihar al Anwar*, (1983), Alofa Institute, Beirut, Lebanon.
- Moin, Mohammad, Farhang Moin, (2007), *Zarin Publishing House*, Tehran.
- McClure, Vimala, (1991), *The Tao of Motherhood*, Publisher: New World Library, California, USA.
- Maqsoudi, Manijeh, (2008), *Anthropology of family and kinship*, Shiraz publication.
- Hilens, John Russell, (2012), *The Guide to Living Religions*, translated by: Abdur Rahim Tashet, Bostan Ketab Institute, Qom.
- Izdiyar, Nasreen and others, (2013), *The choice of egg donation: a way to achieve motherhood (a phenomenological study of the experience of infertile women referring to Royan Research Institute)*, *Iranian Journal of Social Studies*, Volume 8, Number 1: 6 21
- Ragheb Esfahani, Hossein, (2003), *Translation and research of the words of the Qur'an*, translation and research along with the literal and literary

-
- interpretation of the Qur'an by Gholamreza Khosravi Hosseini, al Maktabeh al Mortazawieh Lahiya Asar al Jaafarieh, Tehran.
- Reid, Olin, Matriarchy, (2022), Translated by Afshang Maghsoudi, Gol Azin Publishing House, Tehran.
- Siuri, Moqdad bin Abdullah, Kanzal Irfan, (2020) corrected by Abdur Rahim Aqiqi Bakshaishi, Qom, School of Navid Islam.
- Siyuti, Jalal al Din, Al Itqan fi Ulum al Qur'an, (2012), Amir Kabir Publishing House, Tehran.
- Shabli, Ahmed, Makarna Al Adian (Jewish Section), (N.D), Maktaba al Nahda al Masriya, Cairo.
- Sadeghi, Reza, (2017), From Nominalism to Relativism, Publication: Essays in Philosophy and Theology, Volume 50, Number 2.
- The Old Testament based on the Holy Bible of Jerusalem, (2013), translated by Pirouz Siyar, Hermes Publishing House, Tehran.
- Taib, Hamida, and others, (2016), The modern/feminist and Islamic axis according to three traditional, modern/feminist and Islamic approaches, Journal: Cultural Studies and Communications, No. 48: 147 168
- Tabatabai, Mohammad Hossein. (2000), Siri in the Qur'an, Jahanara, Tehran.
- Thamodi, Farah, (2007), The Goddess of Women in Ancient Iran and India, Tehran, Aron.
- Qur'an Karim
- Zahed Zahidani, Seyed Saeed, (2016), Sociology of the family with a three faceted approach, Journal: Fundamental Research of Human Sciences, third year, number 2: 97 114.

Research on the evolution and diversity of the concept of "motherhood" in society and examining its examples

Nazi Abdullah Pour¹

Abstract

Upon hearing the word "mother" - and its equivalent in any language - the first thing that comes to mind is the woman who gave birth to us, but this concept has suffered many examples throughout history. Rapid changes in human society make these examples more widespread. This article aims to investigate the evolution of the concept and examples of "motherhood" in human language and is written with a descriptive-analytical method. Due to the fact that a large percentage of human society has been subject to Abrahamic religions during the past four thousand years, in this article, while examining the role of mother in wild and primitive societies, the function of the word "mother" in the religious texts of three major religions of the Middle East, especially Islam is examined. Examples of mothers over time include a group of mothers and women and even tribal girls in primitive tribes, the mother goddess - with different names - the biological mother who gave birth to the child or donated her egg, the mother who conceived an embryo from the egg of another raised in her womb, the person's grandmother and female ancestors, foster mothers, adoptive and alleged mothers, wives of the Prophet, mother-in-law, mother or biological and father who has changed gender.

Key words: mother, godmother, incest network, matriarchy, foster child, gender change, surrogacy

¹. Assistant Professor, Department of Theology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Responsible Author)